

## فرهنگ‌نامه‌ی سیاسی - فلسفی

### مکتب‌های سیاسی



# ابسولوتیسم

ابسولوت - ابسولوت‌نس - ابسولوتیسم  
 Absolute , Absoluteness , Absolutist , Absolutism  
 (مطلق - استبدادی)، (تمامت خواهی)، (مطلق طلب - تمامت خواه)، (استبداد - تمامت خواهی)

عاملی نمی‌توانست برتر و بالاتر از آیین‌های کلیسایی حرفی برای گفتن داشته باشد. از همین تاریخ است که پادشاهان و امپراتوران سرزمین‌های مسیحی سفره خود را از کلیسا جدا می‌کنند و صاحب قدرتی می‌شوند که دین و کلیسا نیز باید در مقابل آنان سر تعظیم فرود آورند.

**برابر آیین ابسولوتیسم** کلیسا نیز به ناچار در مقابل قدرت امپراتوران تسلیم شد و حکومت قدرت مداران مطلق‌گرا و تمامت خواه عرصه را بر زندگی جامعه‌ی مسیحی تنگ کرد.

**اما آن چه** که آیین مطلق‌گرایی و یا ابسولوتیسم را در رأس توجه قرار داد و آن را به صورت یک نظریه‌ی سیاسی جا انداخت، تصمیم کلیسای قرن پانزدهم روم بود که پاپ را در رأس قدرت سیاسی دینی قرار داد و توده‌های مردم را مجبور کرد که از وی اطاعت کنند. پس از فروکش کردن قدرت کلیسا، پادشاه در رأس ابسولوتیسم جای گرفت و جای دین با سیاست عوض شد.

**جنگ** بر سر قدرت دین و دنیا، تاریخی دیرینه دارد. طرف‌داران

حاکمیتی آن کس که در بالای هرم قرار دارد از قدرتی نامحدود برخوردار است که حتی پدیده‌های طبیعی نیز نمی‌توانند این حق را از او باز ستانند. بهترین نمونه برای تأیید این گفته کلامی است با این مضمون که با کمی اختلاف و پس و پیش شدن واژه‌ها در بسیاری از سرزمین‌ها وجود داشته است. کلام این است: «حکومت یا سلطنت موهبتی است الهی که از جانب خدا به پادشاه یا حاکم تفویض شده است.» پرسش این است که اگر این پادشاه یا حاکم دیوانه باشد، باز هم حکومتش موهبتی است الهی و مردم ناگزیرند از آن اطاعت کنند؟

**این آیین** می‌گوید که شخص اول قدرت در مقابل هیچ کس و هیچ پدیده طبیعی و غیر طبیعی مسئول نیست و جان و مال و آبرو و موقعیت اجتماعی تمام افراد محدوده جغرافیایی مورد نظر در اختیار صاحب قدرت می‌باشد.

**در آغاز پیدایش** مسیحیت تا قرون وسطی و حتی تا محدوده قرن‌های ۱۴ و ۱۵ قدرت مطلقه و بدون رقیب کلیسا حرف اول را می‌زد و هیچ

**همان‌گونه** که از ظاهر این واژه‌ها پیدا است، تمامت خواهی، عنان گسیخته‌گی، استبداد، مطلق‌گرایی، بی‌توجهی به آرا و افکار عمومی، زیر ساخت‌ها و مفاهیم فلسفی و علمی این واژه‌ها هستند.

**زیرساخت‌های** فکری این نظریه به قرن‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی بر می‌گردد که در آن دوره پادشاهان و امپراتوران به عنوان صاحب اختیاران **قدرت سیاسی** از یک سو و کلیسا و پاپ به عنوان صاحب اختیاران **قدرت دینی** از سوی دیگر به رقابتی تنگاتنگ پرداخته بودند. هر یک از این دو گروه به نوبه‌ی خود می‌خواستند صاحب اختیار کامل شده و قدرت مطلقه را در دست گیرند. برای هیچ کدام از این گروه‌ها حقوق توده‌ها مهم نبود. آن‌ها فقط در پی منافع خود بودند. هم سیاست مداران و هم دین‌داران.

**از همین تاریخ** است که تمامت خواهی و مطلق‌گرایی شکل می‌گیرد و ابسولوتیسم به عنوان یک آیین سیاسی پیدا می‌شود. در چنین

خواستار حرکت دین با پیشرفت‌های روز جوامع بشری هستند، یکی از اصول بسیار آشکار این شیوه تفکر است. تضادهای فکری بین فلاسفه، دانشمندان و نظریه‌پردازان علمی و معتقدان مذهبی عامل اصلی قتل عام و کشتارهای فجیع تاریخ بشری است. فراموش نکنیم دانشمندی به بزرگی گالیله (۱۶۴۲-۱۵۶۴) به علت بیان اعتقادات درست و علمی خود در مورد گردش وضعی و انتقالی زمین و دیگر نظریه‌های علمی مورد اذیت و آزار پاپ و کلیسا قرار گرفته و برای گریز از سوزانده شدن نظریه‌ی خود را پس می‌گیرد.



### تغییر ناپذیری و دست

نخورده‌گی اصول دینی و مطابقت ناپذیری آن با شیوه‌های مدرن زندگی قرن‌ها است که باعث اختلاف‌های بسیار عمیق بین دین و علم شده است. گفتمان جدایی دین از سیاست که سابقه‌ای چند صد ساله دارد از درون کلیساها برخاست و در جهان مسیحیت بخش شد و اینک جهان‌گیر شده است.

**ارتجاع در مفهوم سیاسی آن ضد** دموکراسی است و با انتقال قدرت و ثروت از طبقات حاکم و بالادستی به توده‌های معمولی و مردم فرودستی به شدت مخالفت می‌کند. فاصله‌ی فقیر و غنی در جامعه‌های ارتجاعی و واپس‌گرا بسیار بیش‌تر از دیگر جوامع انسانی است. و هم چنین است فساد اجتماعی و پای‌مال شدن حقوق انسانی در این سیستم‌های حکومتی.

**تمام رژیم‌های** دیکتاتوری، فاشیست، توتالیتار و طرف‌داران و نیروهای وابسته به آنها در گروه مترجمین قرار دارند.

### پایان

**بدون تودید** مفاهیم پیشرفت و تجدد خواهی به شکلی نسبی برای هر جامعه‌ای متفاوت هستند. ممکن است مفاهیم گسترش و توسعه برای یک جامعه به معنی بازگشت به عقب برای جامعه‌ای دیگر باشد. به کلامی دیگر ممکن است نیروهای پیشگام و پیشرو در یک جامعه، برای جامعه‌ای دیگر عقب‌گرا و یا مرتجع باشند. معمولاً در تفسیرهای سیاسی عقب‌گراها یا ارتجاعیون را در گروه راست‌های افراطی قرار می‌دهند که با هر نوع پیشرفت اجتماعی مخالف هستند و در مقابل هرگونه تجددخواهی مقاومت می‌نمایند.

**ارتجاع در بین** گروه‌های مذهبی و در سیاست‌های دینی و مذهبی بیش‌تر بوده و جای‌گاهی ویژه دارد. بسیاری از دین‌داران چون اصول‌دیرینه و کهنه‌ی خود را نمی‌توانند با پیشرفت‌های روز و نظریه‌های مترقی و علمی تطبیق دهند، بنابراین به شدت با آن مخالفت ورزیده و خواهان بازگشت به عقب هستند. جنگ دایمی دین‌داران کهنه و دین‌داران مترقی که

مذهب به طور کلی، و پیروان کلیسا و پاپ به ویژه همیشه گسترش دهنده این نظریه بوده‌اند که: قدرت روحانی و قدرت دنیوی و یا به زبان امروزی دین و سیاست تفکیک ناپذیرند. آن‌ها عقیده دارند که، دین، کلیسا، پاپ و رهبران مذهبی تنها افراد شایسته‌ی هستی می‌باشند که صلاحیت در اختیار گرفتن قدرت دینی و سیاسی را دارا هستند. آن‌ها می‌گویند که این حقوق موهبتی الهی است و قابل تفویض به توده‌های اجتماعی غیر مذهبی و یا غیر روحانی نمی‌باشد. کلیسا برای نشان دادن حقانیت خود می‌گوید هرگز نمی‌توان قدرت و

سلطه‌ای را که برای جامعه لازم است و باید در اختیار مذهب‌یون باشد به جامعه و مردم عادی واگذار کرد. قدرت همیشه باید در اختیار شخصی باشد که در بالای هرم قدرت دینی جامعه قرار گرفته است.

**آیین اسولوتیسم** بسیار همانند آیین‌های دیگری مانند: دیکتاتورسیم، ماکیاولیسم، توریترانیسم و اتوکراسی می‌باشد.

### ارتجاع - ارتجاعی - مرتجع - عقب‌گرا

Reaction , Reactionary , Reactionist

**معنی این واژه** برابر اطلاعات فرهنگ‌نامه‌ای «بازگشت» است. همین مفهوم در اصطلاحات سیاسی نیز وارد شده و به هر فرد، گروه، حزب و یا دسته‌ای که مخالف پیشرفت باشد و سیاست حرکت به جلو را نفی نماید، اطلاق می‌شود. در مفاهیم سیاسی واژه «**مرتجع**» را برای کسی به کار می‌برند که با هر نوع پیشرفت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مخالف است. در شکل افراطی، شخص مرتجع خواهان بازگشت به گذشته است.